

قرآن کریم امانت الہی



محمد تقی صرفی پور

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کریم امانت الهی

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمِ مَوْعِظَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ

وَشَفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

لِّلْمُؤْمِنِينَ^۱

((ای مردم به یقین برای شما موعظه ای از طرف
پروردگارتان و شفا برای آنچه در سینه هاست و هدایت
و رحمتی برای مومنین، آمده است))

^۱ یونس ۵۷

یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی به بشریت، نزول قرآن کریم است. که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را امانت به امت سپرد.

کتابی که **اولا کلام خداوند متعال است** پس با تمام کتابها فرق دارد. **ثانیا راهنمایی** از طرف کسی است که خود خالق انسان است و از همه ضررها و منافع انسان، اطلاع دارد لذا بسیار کامل و بدون نقص، انسان را راهنمایی کرده است و هر که به این راهنمایی ها عمل کند حتما سعادت‌مند میشود. **ثالثا در این کتاب** فقط صرف موعظه و نصیحت نیست بلکه دهها داستان واقعی آموزنده دارد **رابعا تنها کتاب آسمانی** است که در آن تحریف راه نیافته است و حتی یک حرف، کم و زیاد نشده است. **خامسا خداوند در یک آیه دوبار دستور داده** که تا می توانید و برای شما میسر است، قرآن بخوانید که این نشان

از اهمیت فوق العاده قرائت قرآن کریم و منافع بسیار
آن برای بشریت دارد:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ
وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ
لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ
أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ
يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا
اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ
اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿٢٠ مَزْمَل﴾

پروردگارت آگاه است که تو و گروهی از کسانی که با
تواند، نزدیک به دو سوم شب و گاهی نیمی از آن و
زمانی یک سومش را [برای عبادت و خواندن قرآن]
برمی خیزد، و خدا شب و روز را [دقیق و منظم] اندازه

گیری می کند، و برای او مشخص است که شما هرگز نمی توانید [به علت کوتاهی و بلندی شب در طول سال، دو سوم و نصف و یک سوم را دقیقاً] اندازه گیری کنید، پس [اندازه گیری دقیق را] بر شما بخشید؛ بنابراین آنچه را از قرآن برای شما میسر است بخوانید. او می داند که به زودی برخی از شما بیمار می شوند، و گروهی برای به دست آوردن رزق و روزی خدا در زمین سفر می کنند، و بعضی در راه خدا می جنگند؛ پس آنچه را از آن میسر است بخوانید و نماز را برپا دارید و زکات پردازید و وام نیکو به خدا بدهید؛ و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگ ترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بخواید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

سادسا قران همیشه نو و تازه است. و انسان با هر دفعه تلاوت نه تنها خسته نمی شود بلکه مطلب جدیدی متوجه میشود!

از حضرت امام صادق (علیه السلام) سؤال شد که چرا قرآن با تکرار نشر و درس، جز تازگی اثر دیگری نمی پذیرد؟ آن حضرت فرمود: «لأن الله تبارک و تعالی لم يجعله لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غضٌ إلى يوم القيامة».^۲

یعنی ((خداوند تبارک و تعالی قران را برای زمانی خاص و برای مردمی خاص، قرار نداده است لذا قران در هر زمانی، جدید است و نزد هر قومی تازه است تا روز قیامت.))

سابعا گاهی با قرائت یک آیه انسان فقیه و دانشمندی شود

^۲ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۵

مردی به حضور نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید تا قرآن بیاموزد. وقتی به آیات ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةً خَيْرًا يَرَهُ﴾^۳ و من يعمل مثقال ذرة شراً يره^۴ رسید، گفت: این کلام مرا کفایت می کند و برگشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «انصرف الرجل و هو فقيه».^۴

ثامنًا در قیامت قرآن بصورت زیبا ترین صورت محشور شود و شفاعت کند ...

سعد خفاف گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمود: ای سعد قرآن را بیاموزید زیرا قرآن در بهترین صورتهای که مردم دیده اند روز قیامت بیاید و مردم در یک صف و بیست هزار صف هستند، که هشتاد هزار آن صفها از امت محمد است، و چهل هزار صف از امتهای دیگر، پس بصورت مردی در برابر صف مسلمانان درآید و آنها بوی نظر کنند و گویند: معبودی جز خدای بردبار و کریم

^۳ سوره زلزال آیات ۸-۷

^۴ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷.

نیست، همانا این مردی از مسلمانان است که بسیما و
صفت او را بشناسیم جز اینکه او در باره قرآن کوشاتر از
ما بوده، و از این رو درخشندگی و زیبائی و روشنی
بیشتری باو داده شده که بما داده نشده، سپس از آنها
بگذرد تا در برابر صف شهیدان قرار گیرد، شهداء بر او
نظر کنند و گویند: معبودی جز خدای پروردگار مهربان
نیست، این مرد از شهیدان است که ما او را بسیما و
صفت بشناسیم جز اینکه او از شهیدان در دریا است و از
اینجا باو زیبائی و برتری داده‌اند و بما نداده‌اند؛ فرمود:
پس بگذرد تا بصورت شهیدی در برابر صف شهیدان دریا
رسد؛ پس آنان باو نگاه کنند و شگفت آنها بسیار گردد و
گویند: این از شهیدان در دریا است که ما او را بعلامت و
صفت بشناسیم جز اینکه آن جزیره که این (مرد) در آن
شهید شده هولناکتر از جزیره‌ای که ما در آن گرفتار
شدیم بوده و روی این جهت است که باو درخشندگی و
زیبائی و روشنی بیشتری از ما داده‌اند، پس از آنان نیز
بگذرد تا بصف پیمبران و مرسلین رسد در صورت یک
پیمبر مرسل، پس پیمبران و مرسلین باو نگاه کنند و

تعجبشان از دیدن او بسیار گردد و گویند: معبودی جز
خدای بردبار کریم نیست براستی این پیمبر مرسلی است
که ما او را بنشانی و وصفش بشناسیم جز اینکه باو
برتری بسیاری داده شده.

فرمود: پس همگی گرد آیند و خدمت رسول خدا آیند و
از او پرسند و گویند: ای محمد این کیست بآنها فرماید:
آیا او را نمی شناسید؟ گویند: ما او را نشناسیم (جز اینکه
معلوم است که) او از آنهائیست که خدا بر او خشم
نکرده، پس رسول خدا (ص) فرماید: این حجت خدا
است بر خلقش پس سلام کند و بگذرد تا بصف فرشتگان
رسد بصورت فرشته‌ای، پس فرشتگان باو نظر افکنند و
سخت در شگفت روند و چون برتری او را ببینند بر آنها
گران آید و گویند: پروردگارا ما متعالی و مقدس است
این بنده ایست از فرشتگان که او را بنشانی و وصفش
بشناسیم جز اینکه او از نظر مقام و مرتبه نزدیکترین
فرشتگان است نزد خدای عز و جل، و از این نظر نور و
جمالی دارد که ما نداریم، پس بگذرد تا بدرگاه رب العزّه
تبارک و تعالی رسد و پای عرش بسجده در افتد، خدای

تعالی او را ندا کند: ای حجت من در زمین و ای سخن راست و گویایم سربردار و بخواه تا بتو داده شود، و شفاعت کن تا شفاعتت پذیرفته شود، پس سربرداردو خدای تبارک و تعالی باو فرماید: بندگان مرا (نسبت بخود) چگونه دیدی؟ عرض کند: بار پروردگارا برخی از ایشان مرا نگهداری کرد و محفوظ داشت و چیزی از مرا ضایع نکرد، و برخی از ایشان مرا ضایع کرد و حق مرا (بر خود) سبک شمرد و مرا تکذیب کرد با اینکه من حجت تو بر تمامی بندگان بودم؟ پس خدای تبارک و تعالی فرماید: بعزت و جلال خودم و مکانت والا یم سوگند امروز بهترین ثواب را بتو دهم و دردناکترین کیفر را بخاطر تو بکنم.

فرمود: پس قرآن در صورت دیگری برگردد، (سعد خفاف) گوید: من عرض کردم: در چه صورتی باز گردد ای ابا جعفر؟ فرمود: در صورت مردی رنگ پریده و متغیر که اهل محشر او را ببینند، پس بیاید نزد مردی از شیعیان ما که او را می شناخته و بدان با مخالفین بحث میکرده، و در برابرش بایستد و باو بگوید: مرا

نمی‌شناسی؟ آن مرد باو نگاه کند و گوید: ای بنده خدا
من تو را نشناسم پس بدان صورت که در خلقت اولیه
بوده است باز گردد و گوید: مرا شناسی؟ گوید: چرا،
پس قرآن گوید: منم که تو را بشب بیداری کشیدم و در
زندگیت تو را بتعب افکندم، در باره من ناهنجار شنیدی
و رانده در گفتار شدی، آگاه باش که همانا هر تاجری
سود خود را دریافت کند و من امروز پشتیبان و پشت
سرت هستم فرمود:

پس او را بسوی پروردگار تبارک و تعالی برد، و گوید:
پروردگارا پروردگارا بنده تو است و تو باو داناتری که
رنجکش در باره من بود، و مواظب بر من بود، بخاطر من
(با دشمنانم) دشمنی میکرد، و دوستی و خشمش در باره
من بود، پس خدای عز و جل فرماید: بنده‌ام را وارد
بهشتم کنید و از جامه‌های بهشتی باو بپوشانید، و تاج بر
سرش نهید و چون با او چنین کنند او را بقرآن نشان
دهند و گویند: آیا بآنچه در باره دوستت رفتار شد
خشنودی شدی؟ گوید: بار پروردگارا من این را کم
شمرم خیر را در باره‌اش افزون کن خداوند فرماید:

بعزت و جلال و ارتفاع مقام سو گند امروز باو و هر که
 در پایه اوست پنج چیز و افزون کنم، آگاه باش که ایشان
 جوانانی باشند که پیر نشوند، و تندرستانی باشند که بیمار
 نگردند، و توانگرانی باشند که نادار نشوند، و خورسندانی
 باشند که غمگین نشوند، و زنده‌هائی باشند که نمیرند،
 سپس (امام باقر علیه السلام) این آیه را خواند: «نچشند
 در آن مرگ را جز همان مرج نخستین» (سوره دخان آیه
 ۵۶). (سعد) گوید: عرض کردم: فدایت گردم ای ابا جعفر
 آیا قرآن نیز سخن گوید؟

حضرت لبخندی زد و فرمود: خدا رحمت کند شیعیان
 ساده دل ما را که اهل تسلیم هستند (و بسخنان ما گردن
 نهند) سپس فرمود: آری ای سعد نماز هم سخن گوید و
 صورتی و خلقی دارد، فرمان میدهد، قدغن کند، سعد
 گوید: از این سخن رنگ من گشت و گفتم: این (دیگر)
 چیزی است که من نمیتوانم میان مردم بگویم؟ حضرت
 باقر علیه السلام فرمود: آیا مردم جز همان شیعیان ما
 هستند پس هر که نماز را نشناسد حق ما را منکر شده

سپس فرمود: ای سعد من کلام قرآن را (هم اکنون)
بگوش تو برسانم؟

سعد گوید: عرض کردم: بلی رحمت خدا بر شما باد،
فرمود: «همانا نماز باز میدارد از فحشاء (ناشایست) و
منکر (ناپسند) و هر آینه ذکر (یاد) خدا بزرگتر است»
(سوره عنکبوت آیه ۴۵) پس نهی (که همان باز داشتن
میباشد) سخن است و فحشاء و منکر مردانی هستند، و
مائیم ذکر خدا و ما بزرگتریم***^۵

از ایشان پرسم چه کردید با کتاب خدا و اهل بیت من؟.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود:
من نخستین کسی هستم که روز قیامت بر خدای عزیز
جبار وارد شوم با کتابش و اهل بیتم، سپس اتمم (وارد

° (أصول الکافی / ترجمه مصطفوی؛ ج ۴؛ ص ۳۹۴)

شوند) پس از ایشان پیرسم چه کردید با کتاب خدا و
اهل بیت من؟^۶

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا^۷

و روزی (روز قیامت) را که رسول خدا، می گوید:
پروردگارا، قوم من این قرآن را کنار گذاشتند و رها
کردند!

با وجود قرآن هیچگاه تنها نشوم

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: اگر همه
مردم که ما بین مشرق و مغرب هستند بمیرند من از
تنهائی هراس نکنم پس از آنکه قرآن با من باشد، و آن
حضرت علیه السلام شیوه اش این بود که هر گاه مالک

^۶ همان ص ۴۰۰

^۷ فرقان ۳۰

يَوْمَ الدِّينِ را ميخواند آنقدر آن را تکرار میکرد که
نزدیک بود بمیرد^۸***

مقام قرآن

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص)
فرموده است: همانا اهل قرآن در بلندترین درجات
آدمیان هستند بجز پیمبران و مرسلین، پس حقوق اهل
قرآن را اندک و کم شمارید، زیرا برای ایشان از طرف
خدای عزیز جبار مقام بلندی است^۹***

مردم از جهت قرآن چهار دسته اند!

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام حدیث کند که
فرمود: مردم بر چهار گونه هستند، من عرض کردم:

^۸ همان ۴۰۳

^۹ همان ۴۰۴

فدایت شوم آنها کیانند؟ فرمود: یکی مردی که ایمان دارد ولی قرآن باو داده نشده، (دیگر) مردی که قرآن را دارد ولی ایمان ندارد، (سوم) مردی که هم قرآن را باو داده‌اند و هم ایمان را، (چهارم) مردیکه نه قرآن را دارا است و نه ایمان دارد، عرض کردم: قربانت گردم برای من حال اینها را بیان و شرح فرمائید، فرمود: اما آنکه ایمان دارد ولی قرآن بدو داده نشده چون میوه (یا خرما) ایست که مزه‌اش شیرین است ولی بو ندارد، و اما آن کس که قرآن را دارا است ولی ایمان ندارد چون برگ درخت مورد است که بویش خوش ولی مزه‌اش تلخ است، و اما آن کس که هم قرآن را دارا است و هم ایمان دارد چون ترنج است که هم خوشبو است و هم خوش مزه، و اما آن کس که نه قرآن باو داده شده و نه ایمان مانند هندوانه بو جهل است که نه بو دارد و مزه‌اش نیز تلخ است^{۱۰}***

ماندن در دنیا را بخاطر سوره توحید دوست دارم!

^{۱۰} همان ص ۴۰۷

حفص گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام شنیدم که بمردی میفرمود: آیا ماندن در دنیا را دوست داری؟ عرضکرد: آری، فرمود: برای چه؟ عرضکرد: برای خواندن **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**، حضرت سکوت فرمود و پس از ساعتی بمن فرمود: ای حفص هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن را خوب نداند در قبر باو یاد دهند تا خداوند بدان وسیله درجه‌اش را بالا برد زیرا درجات بهشت برابر با آیات قرآن است باو گفته شود: بخوان و بالا رو، پس میخواند و بالا میرود، حفص گوید: من احدی را ندیدم که بر خود بیمناکتر باشد از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و نه امیدوارتر از او دیدم، و قرآن را محزون (و با ناله) میخواند، و هنگامی که قرآن میخواند گویا با انسانی روبرو سخن گوید.^{۱۱}

حاملین قرآن در بهشت

^{۱۱} همان ص ۴۰۸

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص)
فرمود: حاملین قرآن نمایندگان و سرپرستان اهل
بهشتند، و مجتهدان جلوداران اهل بهشتند، و پیامبران
آقایان اهل بهشتند^{۱۲}***

تلاوت قرآن خانه را روشن می نماید

پیغمبر (ص) فرمود: خانه‌های خود را بتلاوت قرآن
روشن کنید و آنها را گورستان نکنید چنانچه یهود و
نصاری کردند، در کلیساها و عبادتگاههای خود نماز
کنند، ولی خانه‌های خویش را معطل گذارده‌اند (و در
آنها عبادتی انجام ندهند) زیرا که هر گاه در خانه بسیار
تلاوت قرآن شد خیر و برکتش زیاد شود، و اهل آن
بوسعت رسند، و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی
دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین
میدرخشند.^{۱۳}

^{۱۲} همان ص ۴۰۹

^{۱۳} همان ص ۴۱۳

آثار تلاوت قرآن کریم

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عز و جل (و یاد او) در آن بشود، برکتش بسیار گردد، و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند، و برای اهل آسمان می‌درخشد چنانچه ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند، و خانه‌ای که در آن

قرآن خوانده نشود و ذکر خدای عز و جل در آن نشود برکتش کم شود، و فرشتگان از آن دور شوند و شیاطین در آن حاضر گردند^{۱۴}

تاجر ها شب قران بخوانند

^{۱۴} همان ص ۴۱۳

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چه باز میدارد تاجری را که در بازار مشغول (بتجارت است) از اینکه چون (شب هنگام) بخانه باز میگردد خوابد تا یک سوره از قرآن بخواند و بجای هر آیه که میخواند برایش ده حسنه نوشته شود و ده گناه از او محو گردد^{۱۵}***

درجات قرآن خوانها

حضرت باقر علیه السلام فرمود: که رسول خدا (ص) فرموده: هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود، و هر کس پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکرین نوشته شود و هر کس صد آیه بخواند در زمره قانتین نوشته شود، و هر که دویست آیه بخواند از خاشعین نوشته شود، و هر که سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته شود، و هر که پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدین نوشته شود، و هر که هزار آیه بخواند برای او (ثواب انفاق) یک قنطار از طلا نوشته شود- و قنطار

^{۱۵} همان ص ۴۱۴

پانزده هزار مثقال طلا است، که هر مثقالی بیست و چهار قیراط است - که کوچکترین آنها باندازه کوه احد و بزرگترین آنها باندازه آنچه میان زمین و آسمان است.^{۱۶}

ثواب انواع قرائت قرآن کریم

محمد بن بشیر از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام حدیث کند - و (راوی حدیث یعنی منصور) گوید: و این حدیث از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت شده - که فرمود: هر کس یک حرف از قرآن را گوش کند فقط گرچه نخواند، خداوند برای او یک حسنه بنویسد و یک گناه از او محو کند و یکدرجه برایش بالا برد، و هر کس با نگاه و بدون صوت و تلفظ آن را بخواند، برایش بهر حرفی حسنه ای بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه او بالا برد، و هر کس یک حرف ظاهر از آن را بیاموزد خداوند برایش ده حسنه بنویسد و ده گناه از او محو کند و ده درجه برایش بالا برد، فرمود: نمیگویم بهر آیه بلکه

^{۱۶} ص ۴۱۵

بهر حرفی چون باء. تاء. یا مانند اینها، و هر کس یک حرف ظاهر آن را در نماز در حال نشسته بخواند خداوند برای او پنجاه حسنه بنویسد و پنجاه گناه از او محو کند و پنجاه درجه برای او بالا برد، و هر کس یک حرف از آن در حال ایستاده در نمازش بخواند خداوند در برابر یک حرف صد حسنه برایش بنویسد و صد گناه از او محو کند و صد درجه برایش بالا برد، و هر کس آن را ختم کند یک دعای اجابت شده‌ای (نزد خداوند) دارد چه تأخیر افتد و چه همان زمان باو بدهند، گوید: عرض کردم: قربانت گردم همه قرآن را ختم کند؟ فرمود: همه آن را ختم کند.^{۱۷}

آیا ندانسته‌ای که نگاه کردن در قرآن عبادت است؟

اسحاق بن عمار گوید: حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم من قرآن را حفظ دارم آن را از

^{۱۷} همان ص ۴۱۷

حفظ بخوانم بهتر است یا از روی قرآن؟ فرمود: بلکه آن را بخوان و نگاه بقرآن کن (و از روی آن بخوان) که بهتر است، آیا ندانسته‌ای که نگاه کردن در قرآن عبادت است؟^{۱۸}

ترتیل یعنی چی؟

عبد الله بن سلیمان گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از گفتار خدای عز و جل (که فرماید: **وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا** فرمود: امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده: یعنی او را خوب بیان کن و همانند شعر آن را بشتاب بخوان، و مانند ریگ (هنگام خواند) آن را پراکنده مساز، ولی دلهای سخت خود را بوسیله آن به پیم و هراس افکنید، و همت شما این نباشد که سوره را بآخر رساند (یعنی همت خود را در تدبیر و تأمل در آیات و بکار بستن و عمل کردن آنها قرار دهید نه باینکه سوره را بآخر رسانید^{۱۹}***

^{۱۸} همان ص ۴۱۸

^{۱۹} همان ص ۴۱۸

قرآن را با لحنها و آواز عرب بخوانید

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود:
قرآن را با لحنها و آواز عرب بخوانید، و از لحن فاسقان و
گنهکاران دوری کنید، زیرا پس از من مردمانی بیایند که
قرآن را در گلو بچرخانند، مانند خوانندگی و نوحه خوانی
و خواندن کشیشان، که از گلوی آنها نگذرد (یعنی مقبول
درگاه خداوند واقع نگردد- از مجلسی ره) دلهای ایشان
وارونه است، و هر که از آنها خوشش آید نیز دلش
وارونه است.^{۲۰}

قرآن را در سه شب بخوانید!

علی بن ابی حمزه گوید: خدمت حضرت صادق علیه
السلام شرفیاب شدم پس ابو بصیر بآن حضرت عرض
کرد: قربانت بروم: در ماه رمضان همه قرآن را در یک
شب بخوانم؟ فرمود: نه عرضکرد: در دو شب؟

^{۲۰} همان ص ۴۹

فرمود: نه، عرضکرد: در سه شب؟ فرمود: ها (یعنی آری بخوان)^{۲۱}

من قرآن را در یک شب بخوانم؟

علی بن ابی حمزه گوید: ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسید - و من نیز در خدمتش بودم - و عرضکرد:

قربانت شوم! من قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: نه، عرضکرد: در دو شب؟ فرمود: نه، تا رسید بشش شب با دست اشاره کرده فرمود: ها (یعنی آری بخوان) سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای ابا محمد آنان که پیش از شماها بودند از اصحاب حضرت محمد (ص) قرآن را در یکماه و کمتر میخواندند، قرآن را بشتاب و سرعت نباید خواند بلکه باید هموار و شمرده خوانده شود، و هر گاه بآیه‌ای برخورد کردی که در آن ذکر دوزخ است نزد آن بایستی و از دوزخ بخدا پناهبری،

^{۲۱} همان ص ۴۲۲

پس ابو بصیر عرضکرد: در ماه رمضان قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: نه، عرضکرد: در دو شب بخوانم؟ فرمود: نه، عرضکرد: در سه شب بخوانم؟ فرمود: آری بخوان - و با دست خود اشاره کرد - آری ماه رمضان (ماهی) است که هیچ کدامیک از ماهها بدو نمانند برای آن ماه حق و حرمتی است، (و در آن ماه) نماز هر چه توانی بخوان.^{۲۲}

ای بنده خدا تو از نماز گزاران نیستی

و نیز فرمود علیه السلام: هر کس یک روز تمام بر او بگذرد و نمازهای پنجگانه را بخواند و در آن نمازها قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نخواند باو گفته شود: ای بنده خدا تو از نماز گزاران نیستی!^{۲۳}

اهمیت قل هو الله احد

^{۲۲} همان ص ۴۲۳

^{۲۳} همان ص ۴۲۸

و نیز فرمود علیه السّلام: هر که ایمان بخدا و روز جزا دارد خواندن **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را دنبال هر نماز واجب از دست ندهد، زیرا هر کسی آن را بخواند خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم کند و او را و پدر و مادرش را و هر که از آن دو متولد شده بیمارزد.^{۲۴}

سعد بن معاذ و سوره قل هو الله

و نیز آن حضرت علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله بر جنازه سعد معاذ نماز خواند و پس از آن فرمود: هفتاد هزار فرشته که در آنها جبرئیل علیه السّلام نیز بود آمدند و بر جنازه سعد نماز خواندند، من بجبرئیل گفتم: ای جبرئیل بچه عمل سزاوار نماز شماها شد؟ جبرئیل گفت: برای خواندنش **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را

^{۲۴} همان ص ۴۲۸

(در همه احوال) ایستاده و نشسته و سواره و پیاده و در
۲۵ هنگام رفتن و آمدنش.

محافظت بوسیله بسم الله و سوره توحید

مفضل بن عمر گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود:
ای مفضل از همه مردم خویشتن را بوسیله **بِسْمِ اللَّهِ**
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و بسوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** نگهداری و
محافظت کن، آن را از سمت راست و از سمت چپ و از
پیش رویت و از پشت سرت و از بالای سرت و از زیر
پایت بخوان (یعنی بشش جهت بخوان) و چون بر سلطان
ستمکاری وارد شدی همین که نگاهت باو افتاد سه بار
آن را (یعنی سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ** را) بخوان و با دست چپ
بشمار، و از خواندن آن جدا مشو (و ادامه بده) تا از
۲۶ نزدش بیرون آئی

۲۵ همان

۲۶ همان ص ۴۳۱

اهمیت سوره انعام

و نیز آن حضرت علیه السّلام فرمود: همانا سوره انعام یک جا نازل گردید و هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه کردند تا بمحمد صلی الله علیه و آله نازل شد، پس آن را بزرگ شمارید و گرامی دارید، زیرا در هفتاد جای آن نام خدای عز و جل می باشد، و اگر مردم میدانستند چه ثوابها و فضیلت‌هایی در خواندن آن سوره است آن را وانمی‌گذارند و ترک نمی‌کردند.^{۲۷}

آیات شفاعت قرآن کریم

اصبغ بن نباته از امیر المؤمنین علیه السّلام حدیث کند که فرمود: سو گند بدان که محمد (ص) را بحقیقت برانگیخته

^{۲۷} همان ص ۴۲۸

و خاندانش را گرامی داشته هیچ چیزی نیست که شما آن را بجوئید از حرز و دعاهائی که برای محافظت از سوختن یا غرق شدن یا دزد یا گریختن چهارپائی از دست صاحبش یا گمشده‌ای یا بنده فراری، جز اینکه در قرآن است، هر که خواهد از من پرسد (تا باو بگویم) گوید: پس مردی برخاست و عرضکرد: یا امیر المؤمنین مرا آگاه کن از آنچه برای محافظت از سوختن و غرق شدن است؟ فرمود: این آیات را بخوان: **اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ** (سوره اعراف آیه ۱۹۶ - و اول آیه این طور است: **إِنَّ وَلِيَیَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ ...** و آیه: **وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ تَا بگفتارش: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ** (سوره زمر آیه ۱۷ - و تمام آیه این طور است: **وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ**

پس هر که این آیات را بخواند از سوختن و غرق شدن ایمن است، گوید: پس مردی آن را خواند و آتش در

خانه‌های همسایگان‌شان در گرفت و خانه او هم وسط
 آن خانه‌ها بود و (از برکت آن آیات که خوانده بود)
 آسیبی باو نرسید، سپس مرد دیگری برخاست و
 عرضکرد: یا امیر المؤمنین حیوانی که زیر پای من هست
 چموشی میکند و من از آن ترسانم؟ فرمود: در گوش
 راستش (این آیه را) بخوان: **وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ** (سوره آل عمران
 آیه ۸۳) و آن مرد این آیه را خواند و آن حیوان برای او
 رام گردید.

مرد دیگری برخاست و عرضکرد: ای امیر مؤمنان
 سرزمین ما جای درندگان است و درندگان بخانه من
 درآیند و تا شکار خود را نگیرند از آنجا نگذرند؟ فرمود:
 (این دو آیه را) بخوان: **لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ
 عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ***
**فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ
 رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ** (سوره توبه آیه‌های ۱۳۸ و ۱۳۹)

پس آن مرد این دو آیه را خواند و درندگان از او دور شدند.

سپس مرد دیگری برخاست و عرضکرد: ای امیر مؤمنان در شکم من آب زردی است (که موجب بیماری من شده است) آیا شفائی دارد؟ فرمود: آری (بی‌پول) و بدون صرف کردن درهمی و نه دیناری، بنویس آیه الکرسی را بر شکمت و آن را بشوی و بیاشام و آن را در شکمت ذخیره کن (محتمل است مقصود این باشد که تا مقداری از زمان روی آن چیزی مخور که در شکمت بماند) بخواست خدای عز و جل بهبودی یابی و آن مرد انجام داد و بخواست خداوند بهبودی یافت.

سپس دیگری برخاست و عرضکرد: یا امیر المؤمنین از (آنچه برای پیدا کردن حیوان) گمشده (فایده دارد) مرا آگاه فرما؟ فرمود: سوره یس را در دو رکعت نماز بخوان و بگو: «یا هادی الضالّة رد ضالتی» (یعنی ای راهنمای گمشده گمشده مرا بمن باز گردان) پس آن را انجام داد و خدای عز و جل حیوان

گمشده‌اش را باو برگردانید.

سپس دیگری برخاست و عرضکرد: ای امیر مؤمنان
برای بنده گریخته دستوری فرما فرمود:

بخوان (این آیه را): **أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ
مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ تَا كَفْتَارُش: وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا
لَهُ مِنْ نُورٍ** (سوره نور آیه ۴۰) و آن مرد آن را گفت و
بنده فراریش بسوی او بازگشت.

سپس مرد دیگری برخاست و عرضکرد: یا امیر
المؤمنین برای ایمنی از دزدی چیزی بفرما زیرا که
پیوسته پشت سرهم شبها از من دزدی شود؟ فرمود:
چون بیستر خواب رفتی (این آیه را بخوان):

**قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا تَا كَفْتَارُش: وَ
كَبْرُهُ تَكْبِيرًا** (سوره اسراء آیه ۱۱۰) سپس امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود: هر کس در بیابانی خالی از سکنه
شبى را بسر برد و این آیه را بخواند **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى**

الْعَرَشِ تا گفتارش: تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (سوره اعراف آیه ۵۴) فرشتگان او را محافظت کنند و شیاطین از او دور شوند، گوید: پس آن مرد (یعنی مردی که برای ایمنی از دزدی پرسش کرده بود، یا مرد دیگری) رفت و بویرانه‌ای رسید و شب را در آنجا خوابید و این آیات را نخواند، پس شیطان بسراغش آمد و بینی آن مرد را گرفت، رقیقش باو گفت:

مهلتش بده، آن مرد (از این حرف) از خواب پرید و آیه‌ای را (که حضرت فرموده بود) خواند، پس شیطان برقیقش گفت: خدا بینی تو را بخاک مالید، اکنون باید تا بصبح او را محافظت و پاسداری کنی، چون صبح شد نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمد و جریان را گفت و عرضکرد: در سخن شما شفاء و راستی یافتم، و پس از بالا آمدن آفتاب بدان جا رفت و جای موی شیطان را در زمین دید.^{۲۸}

جاری شدن آب به وسیله قرآن

نوشته اند: زمانی چند نفر از سادات نجف آباد اصفهان به خدمت آیه الله بید آبادی (ره) آمده، گفتند: چشمه آبی که از دامنه کوه جاری می شد و مورد بهره برداری اهالی بود چندی است خشکیده و ما در زحمت هستیم. دعایی کنید تا گشایشی حاصل شود. آن بزرگوار آیه شریفه: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^{۲۹}. اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم می دیدی که کوه از ترس خداوند فروتن و در هم شکسته می شد. را بر کاغذی نوشت و به آنها داد، فرمود: اول شب آن را بر قله آن کوه گذارده، بر گردید. آنها چنین کردند و چون به خانه خود رسیدند صدای مهیبی از کوه بلند شد که همه اهالی شنیدند و چون صبح بیرون آمدند چشمه آب را جاری دیدند و شکر خدای بجا آوردند.

حضرت فرمود: درست نگفتی!

پیامبر در یکی از شبها سورۀ مبارکۀ «القارعه» را در نماز
مغرب تلاوت فرمود. یکی از اصحاب حضرت بعد از این
نماز مریض شد و در بستر بیماری افتاد. حضرت به عیادت
او رفتند و علت مریضی او را جویاشدند. او گفت: من وقتی
سورۀ القارعه را شنیدم، متأثر شدم و گفتم: خدایا! من طاقت
عذاب آخرت را ندارم. اگر من گناهکار هستم
ومی‌خواهی مرا عذاب کنی، مرا در همین دنیا عذاب کن!
بعد از این دعا بیمار شدم.

حضرت فرمود: درست نگفتی! لکه باید
می‌گفتی: ربنا آتنا فی الدنیا حسنةً و فی الآخرة حسنةً و قنا
عذاب النار

یعنی خدایا! هم در دنیا و هم در آخرت بما خوبی کن
و ما را از عذاب جهنم دور نما!

آنگاه پیامبر(ص) برای او دعا کرد و سلامتی او را از خدا خواست. او هم سلامتی خود را بدست آورد.»^{۳۰}

«عبدالله بن مسعود می گوید: روزی پیامبر از من خواست آیاتی را برایش تلاوت کنم. گفتم: یا رسول الله برای شما قرآن بخوانم در حالیکه قرآن بر شما نازل شده است. پیامبر فرمود: دوست دارم از زبان تو بشنوم.

منهم آیاتی را خواندم که ناگاه اشکهای پیامبر سرازیر شد.»^{۳۱}

«امام حسن(ع) وقتی به آیات بهشت و جهنم می رسید، اشک از چشمانش می آمد.»^{۳۲}

³⁰ سفینه البحار ج ۱ ص ۲۰۸

³¹ با قرآن بیشتر آشنا شویم

³² با قرآن بیشتر آشنا شویم، ص ۱۱

«امام رضا(ع) هر سه روز یک قرآن ختم می کرد
و می فرمود اگر بخواهم می توانم در کمتر از سه روز هم
ختم نمایم ولی من هیچ آیه ای رانمی خوانم الا اینکه
درباره آن فکر می کنم که برای چه نازل شده و در چه محلی
فرو فرستاده شده است.

اکثر شبهارا احیاء می داشت و هر شب نماز جعفر
طیار را می خواند. و اکثر روزها روزه بود.

در بستر که دراز می کشید صدای قرائت قرآن
حضرت بگوش می رسید.

وقتی در تلاوت قرآن به آیه ای می رسید که در
آن ذکر بهشت یا جهنم شده بود، گریه می کرد و از خدا
بهشت را می طلبید و از جهنم به خدا پناه می برد.

وقتی یک عباء به دعبل خزاعی هدیه داد، فرمود:

در این عبا هزار شب، شبی هزار رکعت نماز
خوانده‌ام و در این عبا هزار ختم قرآن کرده‌ام.»^{۳۳}

«روزی سیّد بحر العلوم وارد حرم
امیرالمؤمنین (ع) شد. ولی این بیت را بر زبان ترنم می کرد:
چه خوشست صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن به رخت نظاره
کردن سخن خدا شنیدن وقتی علت را
پرسیدند، گفت، دیدم امام عصر (عج) در کنار قبر علی (ع)
قرآن تلاوت می کرد. آن چنان زیبا و شیرین تلاوت می
نمود که تاکنون اینگونه نشنیده بودم.»^{۳۴}

علامه امینی در خواندن قرآن و دعا، حریص
بود. شبها بر می خواست و نماز شب می خواند و این عبادت
را به نماز صبح وصل می کرد و هر روز پس از نماز، یک
جزء قرآن را با تدبّر و تفکّر تلاوت می نمود.

^{۳۳} همان، ص ۱۱

^{۳۴} همان، ص ۱۲

در این ماه، پانزده بار قرآن را ختم می نمود، که ثواب چهارده بار آن را به ارواح پاک معصومان و ثواب یکبار را به روح پدرش، اهداء می نمود. این برنامه تا آخر عمرش انجام می شد.^{۳۵}

آیه الله بروجردی

یکی از صفات بارز آیه الله بروجردی، احترام به قرآن بود. گاه کتابی را مطالعه می کرد، به آیه ای می رسید که نویسنده در نوشته اش به آن استشهاد کرده بود، در این هنگام، یعنی در وقت خواندن آیه، لحنش عوض می شد. مانند این بود که در مشهد و عالم دیگری است.

روزی از طرف یکی از سران کشورهای عربی، هیأتی خدمتشان رسیده بودند و قرآنی را به عنوان هدیه تقدیم ایشان کردند. در هنگام تقدیم قرآن، آن مرحوم با کھولت سن و حال خاصی که

³⁵ همان، ص ۱۲

داشتند، ایستادند و قرآن را تحویل گرفتند. سپس نشستند و پیش از آنکه با اعضای هیئت سخنی بگویند، قرآن شریف را گشودند و با صدای بلند، آیاتی را تلاوت فرمودند سپس قرآن را در جای مناسبی گذاشتند. سپس تعارفات معمولی را با مهمانان انجام دادند.^{۳۶}

«عربی به مسجد آمد و از پیامبر درخواست کرد که به او قرآن یاد دهد. حضرت به یکی از مسلمانان فرمود که او را گوشه مسجد ببرد و آیاتی را به او بیاموزد. او هم مرد عرب را به کناری برد و شروع به آموختن سوره زلزال به او نمود. وقتی به آیات «فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره ومن يعمل مثقال ذره شراً يره» عرب پرسید: واقعاً خدا از تمام اعمال خوب و بد انسان خبر دارد و آنها را در قیامت به بنده اش نشان می دهد؟ گفت: آری. عرب گفت: فهمیدم.

³⁶ مجله حوزه، ش ۴۷، ص ۱۲۷

سپس خدا حافظی کرد و رفت. مسلمان نزد پیامبر
رفت و داستان عرب را به حضرت گفت. حضرت
فرمود: این مرد دانشمند برگشت.»^{۳۷}

« شبی عبدالواسط، قاری مشهور مصری آیاتی از قرآن را
برای سیاه‌پوستان محله هارلم قرائت کرد. در آن شب
چنان شنوندگان تحت تأثیر قرار گرفتند که بیست و پنج
نفر مسلمان شدند.»^{۳۸}

«در تانزانیا عده ای از مقامات کلیسا کمیته ای
جهت مبارزه با اسلام تشکیل دادند. در این کمیته شرح
وظایف اعضا را مشخص کردند از جمله خواندن قرآن
و پیدا کردن اشتباهات و تناقضات آنرا به عهده اسقفی
گذاشتند. وقتی اسقف، قرآن را چند بار خواند، دست
از مسیحیت کشید و مسلمان شد و اعلام کرد که تنها کتاب
حقیقی الهی قرآن است»^{۳۹}
سه سال در انعام ماندم!

^{۳۷} همان، ص ۱۷

^{۳۸} همان، ص ۱۸

^{۳۹} همان

«استاد محمد رضا حجتی که به شغل تعمیر چرخ
 خیاطی اشتغال دارد، در رابطه با قرآن می‌گوید:
 من عاشق قرآن هستم. سه سال تمام در سوره
 انعام متوقف شده بودم و نمی‌توانستم رد شوم. امثال
 و حکمتها و عبرت‌های آن تمامی نداشت.
 من قرآن را مراقب و تکمیل‌کننده کل حرکات زندگی ام
 می‌بینم.»^{۴۰}

نقاش اسپانیائی و عشق به قرآن!

«الیسو ویسنتی، نقاش مسیحی اسپانیایی :

یک سال پیش بود که در شهر کادیز اسپانیا با
 برادر زاده‌ام در حال قدم‌زدن بودیم، یک لحظه از خاطرم
 گذشت که یک قرآن بخرم. به برادر زاده‌ام
 گفتم: می‌خواهم یک قرآن بخرم. او با تعجب گفت: چرا
 قرآن؟ گفتم بعضی چیزها است که نمی‌توان در باره آن
 توضیح داد. به هر حال همان موقع به یک کتابفروشی رفتم

⁴⁰ همان، ص ۲۴

و تنها نسخه موجود قرآن را در آن کتاب فروشی تهیه کردم. وقتی به خانه آمدم، برای افراد خانواده‌ام نیز این سوال مطرح شد که: چرا قرآن؟ و من در پاسخ به سؤال آنها فقط گفتم: خوب، قرآن خریدم که بخوانم. فعلاً فقط همین.

از وقتی قرآن می‌خوانم، به نتیجه جالب رسیده‌ام و آن این که قرآن، خوانده نمی‌شود بلکه شنیده می‌شود. قرآن بسیار عمیقی دارد که درورای این کلمات نهفته است. باید هنگام قرآن خواندن، خودت را به کلمات قرآن بسپاری تا بتوانی ژرفای عظیم آن واژه‌ها را درک کنی. اگر خوب به قرآن گوش بسپاری، این پیام عمیق و ژرف به تو گفته می‌شود.

من قبل از اینکه قرآن را باز کنم، اول آن را لمس می‌کنم. اول دست‌هایم را روی قرآن می‌کشم و به عبارتی اول نوازشش می‌کنم. چون احساس مس‌کنم این کار، نیرویی را به من منتقل می‌کند. وقتی قرآن را باز می‌کنم و به خطوط عربی آن نگاه می‌کنم، چنان احساس

لطیفی به من دست می‌دهد و چنان انرژی عظیمی به من منتقل می‌شود که وصف شدنی نیست.

من معتقدم حتی نگاه کردن به خطوط قرآن، بدون شک آدمی را از این فضای مادی آلوده دور می‌کند. من به قرآن خیلی ارادت دارم.

من با این کتاب رابطه عمیقی ایجاد کرده‌ام. بهتر بگویم رابطه عمیقی بین من و این کتاب ایجاد شده است. این رابطه آنقدر عمیق شده که شب‌ها قرآن را بالای سرم می‌گذارم و می‌خوابم. من هر شب قرآن می‌خوانم. هر شب صد درصد قرآن می‌خوانم. من نمی‌خواهم راجع به محتوای قرآن صحبت کنم بلکه می‌خواهم راجع به احساسی که این کتاب به من منتقل می‌کند، حرف بزنم. احساس مس کنم در این کتاب نیروی عظیمی وجود دارد. احساس می‌کنم این کتاب قدرت دارد. عظمت دارد. احساس می‌کنم چیزی درون این کتاب هست. من این کتاب را مملو از نور می‌بینم. بعضی وقتها این کتاب را روی سینه‌ام گذاشته و دست‌هایم را روی آن می‌گذارم تا از این نوری که درون این کتاب است به من منتقل شود

و بتوانم انرژی عظیمی را که از این نور متصاعد می‌شود دریافت کنم.»^{۴۱}

آیه‌ای آرامبخش

«ام عقیل زنی بادیه نشین بود. اسلام را با جان و دل پذیرفته بود و با ایمان راستین به قوانین آن عمل می‌کرد. روزی دو تن به خانه‌اش آمدند، اوضمن پذیرائی از میهمانان، ناگاه دریافت که پسرش که در کنار شترها بازی می‌کرد، به سبب رسیدن شترها کشته شده است.

ام عقیل بی آنکه موضوع را به اطلاع میهمانان برساند از آنها پذیرائی کرد.

پس از آنکه غذا صرف شد، میهمانان از کشته شدن فرزند ام عقیل آگاه شدند و از صبر و روحیه بالای این زن تعجب کردند.

پس از آن که میهمانان رفتند، چند نفر از مسلمانان برای عرض تسلیت، نزد ام عقیل آمدند. ام عقیل گفت: آیا کسی هست که آیات قرآن را بداند و با تلاوت آن مرا تسلی دهد؟ یکی از حاضران گفتاری و این آیه را خواند:

⁴¹ گلستان قرآن، شماره ۱۳۹، ص ۹

وبشّر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبةٌ

قالوا انا لله وانا اليه راجعون^{۴۲}

به استقامت کنندگان بشارت بده. آنان که وقتی دچار مصیبت می‌شوند می‌گویند: ما از خدائیم و بسوی او باز می‌گردیم.

ام عقیل با شنیدن این آیه، از آنها خداحافظی کرد، وضو گرفت و دست به دعا برداشت و گفت: خدایا! فرمانت را انجام دادم و صبر نمودم. اینک آنچه بر صابران وعده داده‌ای به من برسان.^{۴۳}

کاربرد قرآن در زندگی انسان

آیا می‌شود روزی فرا برسد که ما از این کتاب بزرگ الهی در امور کلی و جزئی زندگی خویش بهره بگیریم؟

در بازار و پاساژ، آیات مربوط به خرید و فروش حلال و آیاتی که ربا را مذمت کرده است و آیاتی که دعوت به قرض دادن به برادران مسلمان می‌کند، تلاوت شود. در مدارس و آموزشگاهها آیاتی که در باره مقام

⁴² بقره ۱۵۵

سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۱⁴³

علم و وظیفه علما و عالم با عمل است، قرائت گردد. در محله ها و اجتماعات از آیات مربوط به دوری از غیبت و سوء ظن و مسخره کردن دیگران تلاوت گردد. در بین جوانان از آیات مربوط به دوری از فحشاء و منکرات گفتگو شود. در محفلها آیاتی که در باره معجزات پیامبران و آیاتی که مربوط به معاد است، قرائت گردد. در خانه ها و کاشانه ها، با آیات الهی چنان انس ایجاد گردد که بجای صرف اوقات در کنار فیلمهای بی محتوا و مضر و سرگرمی های بی فایده، در مورد آیات مختلف قرآن کریم سخن بمیان بیاید و...

استاد «سنایس» می گوید: بی گمان قرآن همان قانون همگانی و کاملی است که از هیچ سو، باطل در آن راه ندارد. پس شایسته همه زمانها و مکانهاست و اگر مسلمانان چنان که باید، بدان چنگ زنند، دو باره سیادت گذشته خویش را باز خواهند یافت.^{۴۴}

«امام خمینی (رض) هر روز (در ماه رمضان) ده جزء قرآن می خواند. یعنی در هر سه روز، یک دور قرآن

⁴⁴تفسیر نوین، ص ۴۲

می خواندند. در ماه رمضان برادران خوشحال بودند که دو دور، قرآن خوانده اند، ولی بعد می فهمیدند که امام ده یا یازده دور، قرآن خوانده اند. «^{۴۵}

جهانگرد خارجی وقبرستان مسلمین!

«گویند روزی یک قاری، بر سر قبری نشسته و قرآن می خواند، جهانگردی از آن طرف عبور می کرد، دید یک نفر سر قبری نشسته و کتابی در دست دارد و می خواند. از مترجم خود پرسید: این مرد چه می کند؟ گفت: قرآن می خواند. پرسید: قرآن چیست؟ جواب داد: قرآن کتاب مسلمین و کتاب قانون و دستورات اسلام است.

جهانگرد تعجب کرد و پرسید: الان چه می خواند؟ گفت: می خواند: ویل للمطففین... وای بر کم فروشان! آنا که وقتی جنسی را می خردند، زیاد می گیرند و وقتی می فروشند، کم می فروشند.

سرگذشت های ویژه از زندگی امام

اواز مترجم پرسید: مگر در محل شما مرده ها خرید و فروش دارند که می خواند: وای بر کم فروشان اگر کم بفروشند! ۴۶

«گویند روزی در قبرستان دیدند که شخصی مَشگی در دست دارد و بر سر بعضی قبرها رفته و مقداری از مشگ را باز می کند و دو باره بر سر قبر دیگری می رود. علت این کار را از او پرسیدند. گفت: چندین نفر از صاحبان قبرها بمن سفارش کرده اند که بر سر قبر فامیل آنها سوره یس بخوانم. چون این کار برایم سخت است، یکبار این سوره را در این مشگ خوانده ام. حال بر سر قبرهای مذکور رفته و مقداری از باد آن را خالی می کنم و با این کار ادای دین می نمایم! ۴۷»

تأسف استاد امام

«شیخ عبدالکریم حائری یزدی، استاد امام خمینی (رض) فرمودند: رسول خدا (ص) برای ما دو چیز را به ودیعه گذاشت: قرآن و اهل بیت (ع)

46 با قرآن بیشتر آشنا شویم ص ۲۸
47 همان

امّا اهل تسنن، قرآن را گرفتند و اهل بیت(ع) را رها نمودند. ما هم اهل بیت(ع) را گرفتیم و قرآن را رها نمودیم!«^{۴۸}

جلوه هایی از عظمت قرآن کریم

خداوند انسان را برای رسیدن به معرفت و در نتیجه رسیدن به سعادت جاودانه خلق کرد و برای هدایت او در مسیر صحیح، کتابهای آسمانی را نازل و پیامبران را مبعوث نمود.

در میان کتابهای آسمانی که بعضی از دانشمندان آنها را بیش از صد کتاب ذکر کرده اند، قرآن کریم به عنوان کاملترین و جامع ترین و سالم ترین کتاب آسمانی می باشد.

قرآن کریم قانون اساسی مسلمانان است که هرچه بشر
تا روز قیامت از جهت هدایت نیاز دارد در این کتاب
آورده شده است.

از جمله مهمترین مطالب قرآن کریم، معرفی صفات
جمال و جلال الهی است. خداوند سبحان خود را در این
کتاب، معرفی نموده است. تا بشریت بتواند خالق خود را
درست بشناسد و از اشتباه در خداشناسی مصونیت یابد.

همچنین درباره جهان آخرت بیش از هزار آیه وجود
دارد. که بخوبی در باره عاقبت و سرنوشت بشریت در
جهان دیگر از ابتدای مرگ تا عالم برزخ سپس برپایی
دادگاه عظیم الهی و صدور حکم قبولی یا مردودی برای
انسان ها سخن گفته است.

بخشی از این کتاب همیشه معجزه، درباره بایدها
و نبایدهایی است که انسان در زندگی خود اگر مراعات
کند قبول خواهد شد، می باشد.

وقسمتی از قرآن کریم درباره شناخت دشمنان بشریت
از جمله شیطان و نفس اماره و طاغوت ها می باشد.

وبخش مهمی از قرآن کریم درباره سرنوشت اقوام
وملت‌هایی است که در طول تاریخ تا قبل از بعثت آخرین
پیامبر ص می زیسته اند وبخاطر مخالفت با پیامبران
،دچار عذاب دردناک شده اند می باشد.

یکی از موضوعات قرآنی،مسئله جایگاه و ارزش قرآن
کریم می باشد.خداوند از این کتاب خود با صفاتی چون
نور و کریم ومبین ومجید نامبرده واز آن تعریف نموده
است.

لذا موضوعی که درباره آن مطالبی تقدیم می کنیم
درباره عظمت وبزرگی قرآن کریم،می باشد.

از جمله جلوه ها ومصادیق عظمت وکرامت قرآن کریم :

۱- نباید قرآن را بی طهارت مس نمود. کافر نمی تواند صاحب قرآن باشد. زن عذر دار و مرد جنب نمی تواند قرآن را مس کند. اما بقیه کتابهایی که در دست بشر است این شرط را ندارد.

۲- برای تلاوت قرآن باید آدابی را رعایت نمود.

روی قرآن چیزی نذارید. قرآن را روی زمین نذارید. قرآن را با احترام دست بگیرید. بالاتر از قرآن نشینید. بدون وضو، قرآن را لمس ننمایید. در توالی با خود قرآن نبرید. قرآن را در جیبهایی پایینی لباس قرار ندهید. قرآن را به غیر مسلمانان ندهید. قرآن را به کودکان و افراد دیوانه ندهید. قرآن اگر نجس شد، فوراً آن را پاک و تطهیر کنید. افرادی که عذر شرعی (جنابت- حیض و نفاس) دارند، به هیچ وجه قرآن را لمس نکنند. که خدا خود فرمود: لا یمسه الا المطهرون یعنی فقط افراد پاک و طاهر قرآن را لمس می کنند.

۳- همه علوم ائمه از قرآن نشأت گرفته و آصف بن برخیا به این خاطر توانست تخت بلقیس را در یک چشم بهم زدن جابجا کند زیرا قسمتی از کتاب الهی را بلد بود. و امام جواد هفت ساله همه دانشمندان را منکوب کرد و به سی هزار سوال جواب داد چون ععلمش از قرآن بود.

۴- قرآن تنها کتابی است که خداوند حفظ او را تضمین کرده است :

انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون^{۴۹}

هرچه دشمنان تلاش کردند با انواع وسایل از جمله نوشتن آیات شیطانی و یا چاپ کتاب قرآن قرن بیست و یک و یا ساختن آیاتی شبیه آیات قرآن و یا نوشتن کتابهای فراوانی علیه قرآن، ضربه و ضرری به این کتاب

^{۴۹} حجر ۹

بزنند نتوانستند وقرآن نوری است که روزبروز فروزان
تر شده وهمچنان باعث هدایت متقین است.

۵- قرآن هم عرض اهل بیت علیهم السلام لیهم السلام
است یعنی قرآن هم وزن ۱۲ امام است. لذا به امام عصر
می گوئیم السلام علیک یا شریک القرآن.

پس باید همان احترامی که برای اهل بیت داریم برای
قرآن داشته باشیم. قرآن مساوی اهل بیت است واحترام
او کمتر از احترام به اهل بیت نباید باشد

۶- عظمت ماه رمضان بخاطر شب قدر است وعظمت شب
قدر برای نزول قرآن کریم در این شب است. یعنی این
همه عظمتی که برای ماه مبارک رمضان وشب قدر ذکر
شده بخاطر نزول قرآن در این شب است. ویکی از علل
وجوب روزه رمضان، آنست که با روزه گرفتن آمادگی
معنوی برای درک شب قدر وشب نزول قرآن پیدا
نمائیم.

۷- عده زیادی از افراد غیرمسلمان، فقط با شنیدن آیاتی از قرآن کریم اسلام آوردند.

شبی عبدالواسط، قاری مشهور مصری آیاتی از قرآن را برای سیاه‌پوستان محله هارلم قرائت کرد. در آن شب چنان شنوندگان تحت تأثیر قرار گرفتند که بیست و پنج نفر مسلمان شدند.»

«در تانزانیا عده ای از مقامات کلیسا کمیته ای جهت مبارزه با اسلام تشکیل دادند. در این کمیته شرح وظایف اعضا را مشخص کردند از جمله خواندن قرآن و پیدا کردن اشتباهات و تناقضات آنرا به عهده اسقفی گذاشتند. وقتی اسقف، قرآن را چند بار خواند، دست از مسیحیت کشید و مسلمان شد و اعلام کرد که تنها کتاب حقیقی الهی قرآن است.^{۵۰}

^{۵۰} «{باقرآن بیشتر آشناشویم}

خواننده موسیقی پاپ! قاری قرآن شد

«کت استیونس(یوسف اسلام)خواننده معروف(انگلیس
الاصل)موسیقی پاپ:یکسال پیش از انقلاب اسلامی ایران
هنگامی که به اسلام گرویدم همه ترس‌های من از
طبیعت،انسان و جهان ناشناخته هابه آرامشی تبدیل شد
که از آیه «لله ما فی السماوات و ما فی الارض»جان
می‌گرفت»^{۵۱}

۸-قرآن کریم معجزات زیادی در شفای جسمانی
وروحانی افراد مختلف داشته است

درمان با قرآن کریم

امام صادق علیه السلام در باره آثار و فواید سور قرآن
کریم فرمود:

^{۵۱} همان

هر که سوره ابراهیم را بر پارچه سفید بنویسد و بر بازوی
کودک ببندد، کودک از گریه و بیتابی ایمن می شود.

هر که سوره الحجر را بازعفران بنویسد وزن شیرده که
کم شیر دارد بنوشد، شیرش زیاد می شود.

هر که سوره طه را بر پارچه سبز بنویسد و به خواستگاری
برود با او مخالفت نخواهند کرد. و اگر بین دولشکر دشمن
حرکت کند آنها را از هم جدا کرده و دیگر همدیگر را
نمی کشند!

هر که سوره المؤمنون را سه روز بر پارچه سفید بنویسد
و بر بازوی شرابخوار ببندد، او از شرابخواری دست بر می
دارد .

هر که سوره نور را بنویسد و بر لباسش ببندد، یا در
رختخوابش بگذارد هرگز جنب نمی شود. و اگر بنویسد
و بنوشد شهوتش کور می شود.

هر که سوره سجده را بنویسد و بر لباسش ببندد، او از سردرد و صرع و تب ایمن می شود.

هر که سوره سبا را پارچه بنویسد از غم و اندوه و عقوبت ایمن می گردد. و اگر آبش را بنوشد از یرقان درمان می گردد

هر که سوره حم عشق را بنویسد و بر بازوی خود ببندد، او از شر مردم ایمن می گردد. .

هر که سوره جمعه را شب و روز و صبح و شب بخواند از وسوسه شیطان ایمن مانده و گناه روز و شبش آمرزیده می شود.

هر که سوره تحریم را بر مرده بخواند و ثوابش را به مرده اهدا کند ثواب آن مانند برق به مرده می رسد و او را از تنهائی درمی آورد و عذابش را کم می کند.

هر که سوره معارج را هر شب بخواند از جنابت و خوابهای
پریشان ایمن مانده و در تمام شب ایمن می شود.

هر زندانی که سوره انفطار را بخواند از از زندان زود آزاد
می گردد همچنین اسیر و ترسان.

هر که سوره سَبَّح را بر بواسیر بخواند شفا می یابد.

هر که سوره ضحی را بر کسی که چیزی را گم کرده
بخواند بیادش می آید و هر که بر قرائتش مداومت کند
خدا او را به چیزی که فراموش کرده هدایت می نماید.

هر که سوره بینه را بنویسد و بر خود ببندد در حالی که
یرقان دارد مرضش شفا می یابد و همه بیماریش خوب
می شود.

هر که سوره ناس را هر شب در منزلش بخواند از
وسواس و جن ایمن می شود و اگر آن را بر کودکان

ببندد از جن و حیوانات ایمن می گردد. و هر که در همه
ساعات بخواند همه گناهش آمرزیده می شود و بر شفای
هر مریضی خوب است.^{۵۲}

۹- با تلاوت با تدبیر در قرآن کریم و مجاهدت در راه
استفاده از این گنجینه عظیم الهی، بواطن قرآن که هفتاد
باطن است گاه بر ما ظاهر می شود.

۱۰- قرآن کریم سفره ای گسترده پر از نعمتهای مادی
و معنوی است که همه افراد بشر به اندازه معرفت و عقل
و ایمانشان می توانند از آن بهره مند گردند

امام رضا علیه السلام در وصف قرآن فرمود:

((هو جبل الله المتين و عروته الوثقى، و طريقه المثلى،
المودى الى الجنة و المنجى من النار، لا يخلق من اللازمه،
و لا يغت على اللسنه، لانه لم يجعل لزمان دون زمان، بل

^{۵۲} منافع القرآن العظيم نقل از کتاب خواص القرآن العظيم، لجعفر الصادق سلام الله عليه

جعل دلیل البرهان، و حجه علی کل انسان، ((لا یاتیه
الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم
حمید.)) قرآن، ریسمان استوار و متین و دستگیره محکم
و در خور اعتماد و راهی نمونه و بی بدیل است که به
بهشت منتهی می شود و از دوزخ رهایی می بخشد. در
طول زمان کهنه نمی شود و ارجمندی و وزانت خود را از
دست نمی دهد، زیرا آن برای یک عصر قرار داده نشده
است، بلکه راهنما و برهان و حجت بر هر انسان است.
باطل و نادرستی و کثری در آن راه نمی یابد، نه از پیش
رو و نه از گذشته ها و پشت سر، فرو فرستاده خدای
حکیم حمید است.^{۵۳}

پژوهشهای قرآنی جلد ۵ و ۵۳

شفابه وسیله ختم «أَمَّنْ يُجِيبْ»

مریضی دختر امام خمینی(قدس سره) قصه جالبی دارد و آن اینکه دختر امام که حامله بود مریض شد. یک شورای پزشکی در قم تشکیل شد و تقریباً به امام جواب ناامیدکننده دادند و حتی به امام گفتند که، یا باید مادر بمیرد و بچه سالم بماند و یا بچه بمیرد و مادر سالم بماند.

این چنین نقل می کنند که امام فرموده بود: من الآن اظهر نظر نمی کنم که کدام فدای کدام شود شما یکی دو ساعت به من مهلت دهید تا من جواب بدهم که عمل جراحی انجام گیرد یا نه؟

آیت الله شیخ یوسف صانعی که ناقل داستان و از شاگردان نزدیک حضرت امام(قدس سره) است نقل می کند که امام بلافاصله برادر من شیخ حسن را خواستند و فرمودند: امشب عده ای از آقایان طلبه ها را در منزل

دعوت کنید و یک «ختم امن یجیب» بگیرید، مخصوصاً
آقای سید حسن قاضی هم بیاید و دعا کند.

مرحوم قاضی و عده ای از آقایان طلاب آمدند و «ختم
امن یجیب» را گرفتیم وقتی ختم تمام شد، از بیمارستان
نیکویی قم به منزل امام تلفن کردند که معجزه آسا حال
بیمار عوض شده و فعلاً نیازی به عمل جراحی نیست و
بعد از چند روز حال ایشان خوب شد و از بیمارستان
مرخص گردید، در صورتی که دو ساعت پیش شواری
پزشکی تصمیم گرفته بود که عمل جراحی خطرناکی را
انجام بدهد.^{۵۴}

آیه ای برای درمان همه مشکلات

۵۴ سرگذشت های امام خمینی ج ۳ ص ۳۶ - مردان علم در میدان عمل

در حدیثی از ابوذر غفاری نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: من آیه ای را در قرآن می شناسم که اگر تمام انسانها دست به دامن آن شوند برای حل مشکلات آنها کافی است و آن آیات سوم و چهارم سوره طلاق است «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^{۵۵}

((هر کس تقوای الهی پیشه کند و از گناه دوری کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل نماید، خدا او را کفایت می کند و خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای داده است))

۵۵ مجمع البیان جلد ۱۰ ص ۳۰۶

چگونه این جوان ایرانی ساکن امریکا با خواندن قرآن متحول می شود؟

محمد عرب» در نوجوانی به آمریکا می رود و با فرهنگ « آنجا بزرگ می شود، از ایرانی بودن و آداب و رسوم آن تنها یک اسم و فامیل برای او باقی می ماند. هیچ چیز ممنوعی برای او وجود ندارد و کاملاً یک زندگی آمریکایی با همه استانداردهای غیر اخلاقیش را اداره می کند.

این همه داستان زندگی محمد در آمریکاست: هر روز کافه و باری جدید، لذتی جدید و گناهی جدید. ماجرا ادامه دارد. او می گوید که حتی دیگر لذت های لاس و گاس هم او را راضی نمی کرده و تصمیم می گیرد در کارناوال برزیل شرکت کند. به خانه می رود تا خداحافظی کند. خواهرش به رسم ایرانی ها قرآن را برمی دارد و محمد را از زیر آن رد می کند تا سفر معصیتش به سلامت بگذرد! معلوم نیست که چرا آن قرآن، همراه محمد در سفر برزیل می شود. یک اتفاق و یا تقدیر الهی همه چیز را پیش می برد. محمد به هتل می رسد و تصمیم می گیرد چند خطی از کتاب را بخواند تا خوابش ببرد

و بعد از آن راهی کارناوال شود. صفحه اول را می‌خواند و به صفحه دوم می‌رسد و چهارستون بدنش می‌لرزد. هم چیز عوض می‌شود. محمد راهی جنگل‌های آمازون می‌شود و لحظه‌ای کتاب را روی زمین نمی‌گذارد.. او می‌گوید آیات ابتدایی قرآن را حدود سیزده چهارده بار می‌خواندم و فکر می‌کردم که مگر می‌شود انسان بعد از هزار و چهارصد سال نتوانسته باشد یک جمله ده کلمه ای مانند قرآن بگوید؟ کوچکترین سوره قرآن را شمردم که ده کلمه دارد، اما انسان نمی‌تواند یک جمله مانند قرآن بگوید که صرف و نحو و معنی و استدلال را به خوبی قرآن کریم رعایت کرده باشد. به این ترتیب مطمئن شدم که می‌توان به قرآن کریم اتکا کرد.... در لحظات اول که آیات قرآن را می‌خواندم چندان به مفاهیم توجه نداشتم، بیشتر به کلام و منطقی که ارائه می‌داد فکر می‌کردم. ارتباطی بین من و خالق در یک لحظه از طریق قرآن برقرار شد. شاید اگر درباره لغات فکر می‌کردم به این نتیجه نمی‌رسیدم. چون گاهی توجه انسان به لغات باعث ایجاد

سوالاتی می‌شود و به این ترتیب از اصل دور می‌ماند. توصیه من این است که قرآن را با فکر باز بخوانیم. دانش آموزان در بعضی مدارس اروپایی فکرشان را ساعت‌ها آزاد می‌کنند تا در یک بارش فکری مطلق، هرآنچه از ذهنشان می‌گذرد را روی کاغذ بنویسند، این یکی از ساعت‌های کلاسی آنهاست. پیشنهاد من هم این است. کسانی که می‌خواهند قرآن را درک کنند به خصوص اگر برای اولین بار قرآن می‌خوانند، بدون هیچ فکر و ذهنیت قبلی آن را مطالعه کنند، یعنی قرآن را باز کرده و شروع به خواندن کنند. این کار را حداقل یک یا دو بار انجام بدهند تا به مرور با مطالب، لحن و منطق قرآن آشنا شوند. این کار به من هم خیلی کمک کرد. من در جنگل های آمازون که قرآن می‌خواندم، بدون هیچ ذهنیتی آیات را مطالعه می‌کردم. یعنی به مطالب فکر می‌کردم اما به واژه‌ها و مفهوم کلمات توجه زیادی نداشتم و دربند معنی کلمه‌ها نبودم..

چون آن شب در حال برگشت به سمت فطرم بودم، قابلیت
هایی که در تشخیص خوب و بد در وجودم بود بر تصمیمم
تاثیر گذاشت و من شروع به تربیت آن ببر کردم. از همان
شب این کار را شروع کردم. در همان ایام خانم بسیار زیبایی
دست من را گرفت، اما من دستم را از او کشیدم و گفتم:
«نه». این «نه گفتن»، ریشه در بیدار شدن فطرتی داشت که
توان تشخیص خوب و بد را در من زنده کرده بود. تا جایی
که در برابر چیزی که خودم به خاطرش سفر کرده بودم،
گفتم: نه. دیگر آن لذت ها را نمی خواستم. وقتی این کتاب را
مطالعه می کردم، گویی هزاران هزار رمان و داستان را در دل
یکدیگر می خواندم و این خیلی برایم جذابیت داشت. برایم
جالب بود که وقتی چند صفحه به عقب بر می گشتم، باز هم
همان مطالب را می خواندم چون شیرین و تازه و خواندنی
بود. هیچ وقت هم برایم کهنه نمی شود. شاید تا به حال بیشتر
از بیست بار قرآن را خوانده ام اما همیشه تازگی دارد و هر
بار مطلب جدیدی را یاد می گیرم.

در اتوبوس کنار یک ایرانی نشستم، با ذوق به او گفتم:
«حتما این کتاب را بخوان». چیز تازه‌ای کشف کرده بودم
اما برای او عادی بود

دو سوم قرآن را در جنگل‌های آمازون خوانده بودم که برگشتم، آنموقع به خانواده ام اطلاع نداده بودم که برمی‌گردم. حمام مرتبی در جنگل‌ها نکرده بودم و به همین دلیل اوضاع ظاهری خوبی نداشتم. در مسیر بازگشت، یک ایرانی کنارم نشسته بود. از او پرسیدم که «ایرانی هستی؟». وقتی با او حرف زدم، فوراً به او گفتم: «در سفری که به جنگل‌های آمازون داشتم، این کتاب را خوانده‌ام که کتاب عجیبی است، اگر به دستت رسید حتماً آن را بخوان». اما او با تعجب به من نگاه کرد! من چیز تازه‌ای کشف کرده بودم ولی برای او عادی بود. با شوق به او گفتم که: «امیدوارم این تجربه را تو هم داشته باشی». از ابتدا این مطلب را درک کردم که این گنج برای همه است و هرچه زودتر باید به آن دسترسی پیدا کنند..^{۵۶}

<https://rahyafteha.ir/17981/> گفتگوی با محمد-عرب-ره-یافته-
/ایرانی-در-ام
